

تبلیغ دینی در مسیحیت: بررسی فعالیت‌های پاپِ گرگوری^۱

لیلا شیرمحمدی

دانشجوی دکتری گروه ادیان و عرفان، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

محمد رضا عدلی^۲

استادیار گروه ادیان و عرفان، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

موضوع تبلیغ دینی از آغاز در سنت مسیحی اهمیت فراوان داشته است. این امر در فعالیت‌های عیسی مسیح و یاران نزدیکش به روشنی مشهود بوده است. در اثر اقدامات رسولان نخستین و جانشینان آنها گرایش به مسیحیت روز به روز بیشتر شد تا این‌که در اوایل قرن چهارم مسیحیت دین رسمی امپراتوری روم شد، همزمان گرایش‌های رهبانی نیز در مسیحیت شکل گرفت. بندیکت قدیس (د ح ۵۴۷م)، از شخصیت‌های تأثیرگذار رهبانیت مسیحی بود، که با تأسیس طریقه‌ای رهبانی در رشد و تکامل معنویت مسیحی تأثیر مهمی بر جای نهاد. گرگوری کبیر از پیروان سنت بندیکت بود که به مقام پاپی رسید و در گسترش مسیحیت نقشی چشمگیر داشت. او در سال ۵۹۷م آوگوستین کانتربری را به همراه چهل تن از راهبان صومعه اندوری قدیس رهسپار بریتانیا کرد. این هیئت با تلفیق قواعد رهبانی با تعالیم کلیسا توانستند به توفیق چشمگیری برسند.

کلیدواژه‌ها

تبلیغ دینی، گرگوری کبیر، آوگوستین کانتربری، مسیحیت، رهبانیت.

۱. تاریخ دریافت: ۹۹/۲/۱۱ تاریخ پذیرش: ۹۹/۴/۳۰

۲. پست الکترونیک (نویسنده مسئول): moh.adli@iauctb.ac.ir

مقدمه

تبلیغ در همه ادیان اصلی زیر بنایی و جدایی ناپذیر است. از جمله ادیانی که با شیوه تبلیغ توانست به اهدافش در همراه ساختن انسان‌ها با خود به موفقیت برسد دین مسیحیت است، حضرت عیسی (ع) با پرورش دوازده حواری سنگ بنای تبلیغ این دین را پایه گذاشت و با ساخت اولین کلیسا توسط پطرس حواری عملاً تبلیغ، به عنوان یک رکن اصلی، مرکزیت تشکیلاتی یافت. بر طبق انجیل حضرت عیسی (ع) به یارانش توصیه می‌کرد نزد اقوام مختلف بروند و پیام وی را به گوششان رسانند: «پس دوازده شاگرد خود را طلبید به ایشان قوت و قدرت بر جمیع دیوها و شفا دادن امراض عطاء نمود و ایشان را فرستاد تا به ملکوت خدا موعظه کنند و مریضان را صحت بخشند» (لوقا ۹: ۱-۲). از همان زمان تبلیغ به یکی از مولفه‌های اصلی دین مسیحیت بدل شد.

حضرت عیسی (ع) رسالت خویش را حدوداً در سن سی سالگی آغاز کرد و به مدت سه سال به تبلیغ و ارشاد پرداخت، نقطه آغاز فعالیت عیسی، بشارت یحیی تعمیددهنده است که خود برگرفته از صحیفه دانیال و کتاب اخنوخ بود.^۱ او مانند یحیی آمدن سلطنت خدا را تبلیغ می‌کرد و مردم را به توبه فرا می‌خواند.^۲ شیوه تبلیغ او، موعظه چهره به چهره بود. او در سراسر جلیل موعظه می‌کرد، به مردم تعلیم می‌داد و از ملکوت الهی سخن می‌گفت. همچنین مریض‌ها، دیوانگان، مصروعان و مفلوجان را شفا می‌داد.^۳ یکی دیگر از ویژگی‌های تبشیر عیسی (ع)، استفاده از مثل بود. امثال داستان‌هایی هستند که اتفاق روزمره را با یک جنبه حیات مذهبی به‌ویژه حیات در ملکوت خدا مقایسه می‌کنند.^۴ حضرت عیسی (ع) در آغاز رسالت خود یارانی را برگزید تا او را در نشر دعوتش یاری کنند. او به شمعون لقب پطرس (یعنی «صخره») داد تا سنگ زیر بنای کلیسا، یعنی جامعه مسیحیت،

۱. صانعی، مرتضی، «تبشیر مسیحی خروج از سنت و سیره حضرت عیسی»، معرفت ادیان، شماره ۲۱، ۱۳۹۰ش، ص ۷۹.

۲. ویور، مری جو، درآمدهای بر مسیحیت، ترجمه حسن قنبری، قم، ادیان و مذاهب، ۱۳۸۱ش، ص ۷۲.

۳. مرقس، ۱: ۲۱-۴۵.

۴. وان وورست، رابرت، مسیحیت در لابه لای متون، ترجمه باغبانی، جواد؛ رسول زاده، عباس، تهران، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۵ش، ص ۸۵؛ رسول زاده، عباس، باغبانی، جواد، شناخت مسیحیت، تهران، امام خمینی، ۱۳۸۹ش، ص ۸۴.

باشد.^۱ پطرس به تأسیس کلیسا در فلسطین اقدام کرد. در انجام وظیفه شبانی خود، در همه نواحی گشت می‌زد و به تعلیم و تربیت مردم اهتمام می‌ورزید. او همواره در کار تبلیغی خود از نام عیسی استفاده می‌کرد و به عیسی و پیام او بشارت می‌داد.^۲ اما مؤثرترین چهره در گسترش مسیحیت در دوره آغازین پولس بود. در سایه فعالیت‌های او مسیحیت تحولات گسترده‌ای یافت به قدری که می‌توان گفت جوهره اصلی مسیحیت کنونی در همین دوره که به دوره رسولان شناخته می‌شود، بنیان نهاده شد و تحولات فکری مسیحیت در دوره‌های بعد در واقع بازخوانی و تفسیر همان آموزه‌هایی بود که پولس پدید آورد.^۳ پولس رسول، بشارت آزادی را تبلیغ می‌کرد و معتقد بود خدا برای انجام این کار به او مرجعیت بخشیده است.^۴

در مجموع باید گفت در زمانی نسبتاً کوتاه، مبشران و مبلغان به گونه‌ای چشم‌گیر مسیحیت را گسترش دادند تا آن‌جا که مسیحیت در پایان قرن اول در همه شهرهای عمده و بسیاری از شهرهای کوچک در نیمه شرقی امپراتوری روم راه یافته بود. پولس و مبلغان دیگر کلیساهای زیادی ایجاد کرده بودند. سرعت روی آوردن غیریهودیان به مسیحیت بیش از یهودیان بود.^۵ در قرن دوم، مسیحیت وظیفه دینی خود می‌دانست که با مشروعیت امپراتوری و نظام دینی رومی که با آن هم پیمان بود، مبارزه کند. در همین قرن پیشرفت و گسترش مسیحیت بیشتر در میان ملل یونان زبان امپراتوری صورت گرفت. کلیسای اسکندریه مهم‌ترین کلیسای مصر گردید و مسیحیان در سال ۲۰۰ میلادی تقریباً در همه جای امپراتوری یافت می‌شدند.^۶

در قرن سوم توجه مسیحیان بیشتر معطوف به تبشیر انجیل در میان ملل لاتین زبان ساکن بخش غربی امپراتوری بود. تخمین زده می‌شود که در سال ۳۰۰ میلادی مسیحیان

۱. رسول زاده، عباس، باغبانی، جواد، ص ۱۲۱.

۲. صانعی، مرتضی، ص ۸۲.

۳. حیدری ابهری، داوود، «نقش پولس در شکل‌گیری آیین مسیحیت»، فصلنامه اندیشه دینی، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۵ش، ص ۱۱۱.

۴. ویور، مری جو، ص ۹۷.

۵. وان وورست، رابرت، ص ۱۱۶.

۶. کرنز، ارل، سرگذشت مسیحیت در طول تاریخ، ترجمه آرمان رشدی، انگلیس، ایلام، ۲۰۰۸م، ج ۱، ص ۸۵.

پانزده درصد کل جمعیت امپراتوری را که بین ۵۰ تا ۷۵ میلیون نفر بود، تشکیل می‌دادند.^۱ پذیرش مسیحیت از سوی امپراتور کنستانتین در سال ۳۱۳م، عصر جدیدی را در اشاعه و گسترش دین پدید آورد؛ عصری که بسیاری از مورخان معتقدند تا زمان حاضر باقی ماند. کنستانتین و بیشتر جانشینانش به حفظ وحدت سازمانی و عقیدتی با کلیسا کوشیدند. پس از آن در سرتاسر قرون وسطا، گسترش مسیحیت در شرق و غرب ادامه یافت. کلیسای کاتولیک فراتر از مرزهای امپراتوری روم گسترش یافت و بر قدرت اسقف روم افزوده شد.^۲ برای برخی از مسیحیان که دغدغه دست‌یابی به نجات داشتند لذت‌پرستی امپراتوری روم و از طرفی دیگر دنیاگرایی روزافزون کلیسا و رهبران دینی، قابل تحمل نبود از این رو، راه نجات را ترک جامعه و عزلت در بیابان دیدند و به رهبانیت روی آوردند.^۳ رهبانیت نیز در رشد جامعه مسیحی در ابعاد مختلف آن و گسترش مسیحیت تأثیرگذار بوده است. یکی از بزرگترین پیشوایان رهبانیت غرب، بندیکت اهل نورسیا (حدود ۴۸۰-۵۴۷ م) بود که افراد بسیاری را به طریقت خود جذب کرد. وی را پدر رهبانیت مسیحی دانسته‌اند. تعالیم بندیکت، بر پیشرفت تمدن غربی و حیات عرفانی مسیحیان تأثیر قطعی داشته است. *قاعده نامه* بندیکت تأثیر عمیقی بر زندگی دیرنشینی در مسیحیت غربی نهاد تا جایی که نظام‌ها و سلسله‌ها رهبانی متعددی نام وی را به‌عنوان سرسلسله و پیشوای طریقت خود، یدک می‌کشند. یکی از کسانی که جذب طریقه بندیکت شد، گریگوری کبیر بود. گریگوری بسیار تحت تأثیر *قاعده نامه* بندیکت قرار داشت و آن را ترویج می‌کرد. او با ارسال راهبان مبلغ به نقاط مختلف اروپا، از جمله فرانسه اسپانیا و بریتانیا، در گسترش دین مسیحیت بسیار مؤثر بود.^۴

۱. همان، ص ۹۷.

۲. وان وورست، رابرت، ص ۱۱۹.

۳. فاریاب، محمد حسین، «رهبانیت در آیین مسیحیت»، *مجله معرفت*، شماره ۱۳۳، ۱۳۸۷ش، ص ۶؛ سلیمانی اردستانی، عبد الرحیم، مسیحیت، قم، ادیان و مذهب، ۱۳۸۱ش، ص ۱۴۱.

۴. عدلی، محمدرضا، «قاعده نامه بندیکت قدیس: دستورات عرفانی طریقه راهبان بندیکتی»، *عرفان ایران*، حقیقت، ۱۳۸۹ش، صص ۱۳۱-۱۳۷.

پاپ گِریگوری کبیر

انتصاب گِریگوری اول به مقام پاپی نقطه عطفی است که دوره قدیم تاریخ کلیسای را از کلیسای قرون وسطا جدا می‌کند. برخی سال ۵۹۰ م را برای آغاز تاریخ کلیسا در قرون وسطا انتخاب کرده‌اند؛ زیرا در این سال گِریگوری اول دوره جدیدی را برای اقتدار کلیسا در غرب آغاز کرد. او مظهر دنیای جدید قرون وسطایی شد که در آن کلیسا تحت رهبری اسقف روم قرار داشت.^۱ گِریگوریوس، معروف به گِریگوری کبیر (۵۴۰-۶۰۴م)، در خانواده‌ای از اشراف روم متولد شد، او به سرعت مدارج ترقی علمی و سیاسی را طی کرد. شهرت وی هم به دلیل معنویت عمیق و هم سخت‌کوشی او در اجرا و سرپرستی امور دینی بود. گِریگوری، پس از درگذشت پدرش، در سال ۵۷۴ م، قصر او را به صومعه‌ای بدل کرد و در آنجا اجتماعی از راهبان را تشکیل داد و خود در کنار آنها همچون راهبی ساده زندگی کرد. گِریگوری به شدیدترین ریاضت‌ها تن سپرد. روزه‌داری‌های مکرر سلامت جسمانی او را به خطر انداخت. با این همه، به باور وی، چهار سالی را که در دیر گذرانده بود، بهترین ایام زندگیش بود.^۲ او با تفکر و تعمق و مطالعه، به دانش، بصیرت و آگاهی وسیعی از کتاب مقدس و معنویت مسیحی دست یافت.^۳

گریگوری به‌عنوان بشارت‌دهنده پیام مسیحیت، در هر شرایط و در هر مقامی، ایستادگی کرد تا رسالت خود را اعلام نماید. او هم‌چون پلی است که خرد و فرهنگ را از گذشته به سوی آینده عبور داد و آن را حفظ کرد. در واقع گِریگوری به شکلی خاص سبک زندگی مسیحی را تفسیر می‌کرد و آن را به سوی قلّه عرفان و تفکر معنوی سوق داد. او به نظریه‌پردازی در امور دین علاقه‌ای نداشت، بلکه مضامین دینی را با توجه به نیازهای مردم عصرش تبیین می‌کرد.^۴ او به‌رغم اشتغال فراوانش در جایگاه اسقف روم و نیز بیماری و کسالتی که مدت‌ها دچارش شده بود، همواره زمانی را به مطالعه و تفسیر کتاب مقدس

۱. کرنز، ارل، صص ۱۸۵-۱۸۶.

۲. Rush. A.C and Hester, K., "Gregory The Great I, St. Pope", *New Catholic Encyclopedia*, Bernard, L. Marthaler (ed.), United States of America, Thomason Gale, 2003, vol. 6, p.478.

۳. کرنز، ارل، صص ۱۷۶-۱۸۶.

۴. Rush. A.C and Hester, K., p. 482.

اختصاص می‌داد و می‌کوشید معنی و مفهوم بطون کتاب مقدس را برای راهنمایی و هدایت زندگی اخلاقی استخراج کند و به همگان بیاموزد.^۱ در قرون وسطا، نقش روحانی‌گرگوری برای اسقف‌ها و کشیشان، هم‌چون نقش بندیکت برای راهبان بود. او در امر تبشیر به مبلغان یادآور می‌شد که چه فضایل و ویژگی‌هایی برای یک کشیش لازم است.^۲

شرایط اجتماعی و سیاسی عصرِ گرگوری

در سده ششم میلادی اوضاع روم آشفته بود، جنگ گوت‌ها (۵۳۶-۵۵۳ م) مانند شعله سوزانی از شمال تا جنوب ایتالیا را فرا گرفته بود و جز آشوب و فقر چیزی بر جای نگذاشت. اقتصاد شهری و بنیادهای سیاسی برهم ریخت و اقتدار مادی و دنیوی روم را نابود کرد. در واقع حمله بربرها به ایتالیا تمامی دستگاه روحانی کلیسا و رهبران را به مخاطره انداخت.^۳ در چنین اوضاع بحرانی گرگوری خود را برای حمایت، محافظت، تأمین مواد غذایی و نظارت بر حفظ نظم و امنیت شهر روم آماده کرد.^۴ زمانی که لومباردها حکومت پادشاهی خود را در شمال ایتالیا تشکیل دادند، امپراتور روم شرقی - موریس -^۵ هیچ کمکی به روم نکرد، و حتی حاضر به متارکه جنگ نیز نشد. گرگوری وقتی دریافت که نماینده امپراتور ناتوان است؛ شخصاً با آگیلوف^۶ (پادشاه لومباردها) وارد مذاکره شد. در سال ۵۹۳ م هنگامی که قرارداد صلح توسط اسقف بیزانس (نماینده موریس) نقض شد، آگیلوف دوباره با هدف نابود کردن روم، رهسپار جنگ شد. گرگوری نیز دوباره با آگیلوف وارد مذاکره شد. او شهر روم را با پرداخت مبلغ هنگفتی نجات داد و موافقت نمود که سالانه مبلغی به‌عنوان خراج بپردازد.^۷ اقدامات گرگوری موجب شد که مردم به

۱. Meyvaert, Paul, "Gregory I", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, 1987, vol. 6., p.119.

۲. Rush. A.C and Hester, K., p. 482.

۳. دورانت، ویلیام جیمز، تاریخ تمدن: عصر ایمان، احمد آرام، تهران، اقبال، ج ۴، ۱۳۷۸، ص ۶۷۱.

۴. Rush. A.C and Hester, K., p. 480.

۵. Maurice

۶. Agilulf

۷. Homes Dudden, F., *Gregory The Great: His Place in History and Thought*, London, LONGMANS GREEN AND CO., 1905, vol. 2, p.25.

چشم حاکم به او بنگرند و این مقدمه‌ای شد برای افزایش قدرت دنیوی پاپ در دوره‌های بعدی.^۱

آغاز مأموریت تبلیغی در بریتانیا

زمانی که گرگوری دریافت هنوز مهاجمان آنگلو ساکسون از طریق روحانیت محلی بریتانیا به دین مسیح دعوت نشده‌اند، تصمیم گرفت از ظرفیت موجود در رهبانیت در جهت تحقق اهداف تبلیغی کلیسای مسیحی استفاده کند، از این رو، در سال ۵۹۷ م هیئتی چهل نفره را، به سرپرستی آوگوستین کانتربری^۲ از صومعه اندروی قدیس^۳، به سوی آنگلو ساکسون‌های بریتانیا فرستاد. این اولین مأموریت مذهبی - تبلیغی بود که یک پاپ روم در سرزمین مردمی بی‌دین آغاز نمود.^۴

داستانی را نیز درباره علت این تصمیم گرگوری نقل کرده‌اند: گفته می‌شود روزی گرگوری در بازار برده فروشان پسرانی زیبا و خوش چهره را دید که به عنوان برده فروخته می‌شدند. پس از تحقیق درباره آنها، متوجه شد که آنها آنگلی^۵ (انگلیسی) هستند. او بسیار متأثر شد و در واکنش به این موضوع گفت: «این پسران صورت فرشتگان را دارند و چنین پسرانی باید در بهشت، جانشین فرشتگان شوند». این انگیزه‌ای شد برای دعوت انگلیس به کلیسای مسیحی. اگرچه برخی از پژوهشگران درباره وثاقت این داستان تردید کرده‌اند؛ اما فروش برده‌های آنگلو ساکسون در آن عصر واقعیت داشته است و احتمالاً گرگوری بعضی از این بردگان را به صومعه خود راه داده بود. از این رو، این احتمال وجود دارد که علاقه گرگوری به موعظه آنگلو ساکسون‌ها و دعوت آنها به دین مسیح؛ از همان مواجهه او با آن بردگان به وجود آمد.^۶

۱. کرنز، ارل، ۱۸۷؛

Rush. A.C and Hester, K., p.480.

2. St. Augustine

3. St. Andrew

4. Rush. A.C and Hester, k., pp.481-482.

5. Angli

6. Smither, Edward L., *Missionary Monks: An Introduction to History and Theology of Missionary*, U.S.A., 2016, p. 82; Harting, Mayr, *The Coming of Christianity to Anglo-Saxon England*, University Park, PA: Pennsylvania State

به‌زعم گِرگوری انگلیسی‌ها آخرین بقایای کفر و بی‌دینی در امپراتوری روم محسوب می‌شدند. هر چند که بریتانیای رومی^۱ از قرن چهارم به دین مسیح دعوت شده بود، اما درگیری و کشمکش‌های زیادی میان آن‌ها و آنگلو ساکسون‌ها وجود داشت و بریتانیایی‌ها هیچ تلاشی برای تبلیغ انجیل و دین مسیح در میان رقیبان و دشمنان خود نمی‌کردند. در قرن ششم، سلطه و نفوذ آنگلو ساکسون‌ها بر همسایگان‌شان افزایش یافت و از این رو شرک و بی‌دینی شیوع و گسترش بیشتری پیدا کرد. از سوی دیگر، ملکه برتا^۲، همسر اِثلبرت^۳ (پادشاه بریتانیا) یک مسیحی اهل گُل بود؛ او تمایل داشت تا همسرش و مردم بریتانیا مسیحی شوند، از این رو، در بشارت و مأموریت تبلیغی گِرگوری مشارکت کرد. نامه‌های گِرگوری نشان می‌دهد که او با حاکمان فرانسوی نیز در ارتباط بود. البته برخی از مورخان بر این باورند که انگیزه اصلی تبلیغ گِرگوری در بریتانیا، صرفاً افزودن بر شمار مسیحیان بوده است. برخی دیگر انگیزه سیاسی را عاملی برای گسترش و برتری حوزه قدرت پاپ می‌دانستند. اما در کنار همه این عوامل نباید از انگیزه معنوی گِرگوری در ارشاد و دعوت بریتانیایی‌ها به مسیحیت غافل شد.^۴

به هر روی در سال ۵۹۷ م آوگوستین، رئیس صومعه سنت اندرو، به همراه چهل راهب سوگند خورده رهسپار بریتانیا شدند. راهبان تحت فرمان آوگوستین بودند و آوگوستین مطیع دستورهای گِرگوری. اهمیت اطاعت از یک مقام والای معنوی در اقدامات میسیونری ارزش بزرگی محسوب می‌شد، به‌ویژه برای گروه راهبانی که در مأموریت فرهنگی دینی خود در میان افراد مشرک و بی‌دین، با مشکلات زیادی مواجه بودند.^۵ راهبان، پس از خروج از ایتالیا و در راه خود به‌سوی بریتانیا، بارها به دلیل مشکلات و مشقت‌های سفر و هم‌چنین وظایفی که بر دوششان بود، دچار کشمکش و اختلاف نظر شدند. تا آنجا که حتی از ادامه کار منصرف شدند و تصمیم گرفتند به ایتالیا برگردند.^۶ آن‌ها

University Pressand, 1991, p. 59.

۱. Roman Britain: ایالتی در بریتانیا که تحت سلطه امپراتوری روم بود.

2. Bertha

۳. Ethelbert

4. Smither, Edward L., pp. 84-85.

5. Harting, Mayr, p.61; Smither, Edward L., p.85.

6. Bede, *Ecclesiastical History of the English People*, A. M. Sellar (translator),

آوگوستین را به روم فرستادند تا گِرِگوری را به فرمان لغو این سفر مجاب کند. با اینکه این که پاپ، احترام و اهمیت زیادی برای راهب بزرگ خود قائل بود اما موافقت نکرد و به آوگوستین نامه‌ای داد و به او گفت باز گردد و مبلغان را به انجام مأموریتشان تشویق کند.^۱ با ادامه یافتن سفر، آوگوستین و راهبان نخست راهی ماریسی^۲ شدند و سپس احتمالاً برای زیارت مقبرهٔ مارتین قدیس به تور^۳ سفر کردند. گِرِگوری توصیه‌نامه‌هایی برای تعدادی از اسقف‌های فرانسوی نوشته بود و نیز برای برخی از اعضای خانوادهٔ سلطنتی فرانکی که ظاهراً سفر هیئت راهبان مورد تأییدشان بود.^۴

گِرِگوری به تئودریک دوم^۵، پادشاه بورگوندی^۶، و تئودبرت دوم^۷، پادشاه اوسترازا^۸، و هم‌چنین مادر بزرگش، برونهیلدا^۹، نامه نوشت تا از این مأموریت حمایت کنند. ظاهراً ملکه برونهیلدا از مأموریت تبلیغی راهبان به بریتانیا بسیار خرسند شد. پادشاهان و اسقفان فرانکی علاوه بر مهمان‌نوازی مترجمانی را در اختیار آوگوستین و یارانش قرار دادند

London, George Brill and Sons, 1907, p. 42.

۱. او نامه‌ای مختصر و دلگرم‌کننده به آن‌ها نوشته بود: «پسران عزیز من! شما باید کار خیری را که با کمک خداوند شروع کردید به اتمام برسانید. هرگز اجازه ندهید مشقت‌های سفر و زخم زبان و حرف‌های مردم شما را از انجام کارتان باز دارد. شما باید با شور و اشتیاق آن‌چه را که در پرتو نور هدایت خداوند آغاز کردید به سرانجام برسانید و بدانید پس از رنج‌ها و مشقت‌های سفر، شکوه و افتخار، پاداشی ابدی در انتظارتان خواهد بود. با تواضع و فروتنی از پیشگام و راهبر خود، آوگوستین، اطاعت کنید، چراکه ما او را به‌عنوان رئیس راهبان منصوب کردیم و اطاعت کردن و گوش دادن به نصیحت‌ها و پندهایش به‌سود روح شما است؛ خداوند شما را حفظ کند و مورد لطف و عنایت خود قرار دهد و من هم شاهد ثمره کوشش و کار شما در ابدیت باشم، هرچند که در انجام این مأموریت، همراه شما نبودم، اما امیدوارم که بتوانم در بهره‌مندی از لذت پاداش آن، با شما شریک شوم. عزیزانم خداوند شما را حفظ کند» (Smither, Edward L., p.86).

2. Marseille

3. Tours

4. Smither, Edward L., p.86.

5. Theuderic II

6. Burgundy

7. Theudebert II

8. Austrasia

9. Brunhilda

همچنین چند کشیش محلی را مأمور کردند که در این سفر آنان را همراهی کنند. این استقبال دوستانه موجب شد گِرِگوری اطمینان حاصل کند که هیئت تبلیغی‌اش در کنت نیز دچار مشکل نخواهند شد.^۱

آوگوستین و گروه همراهش به محض ورود به کنت، مورد استقبال پادشاه اِثلبرت قرار گرفتند. اما پادشاه آن‌ها را خارج از قصر خود و در جزیرهٔ تِنِت^۲ به حضور پذیرفت تا خود را از هر گونه سحر و جادوی احتمالی راهبان در امان نگاه دارد. با این‌که پادشاه اِثلبرت، سی سال با ملکه‌ای مسیحی زندگی کرده بود اما هنوز تحت تأثیر انجیل قرار نگرفته بود، لذا طبیعی بود که به سرعت، به دعوت راهبان واکنش مثبت نشان ندهد. با این حال، به راهبان اجازه داد تا در کانتربری اقامت داشته باشند، و به آن‌ها آزادی عمل بخشید تا برای مردمی که در قلمرو حکومت او بودند موعظه کنند و آن‌ها را به دین مسیح دعوت نمایند. وقتی پادشاه اِثلبرت، مکانی را در کانتربری در اختیار راهبان قرار داد، آنها آن‌جا را هم به پایگاهی برای ماموریتشان و هم به محل زندگی خود مبدل کردند. راهبان و روحانیان در آن‌جا با یکدیگر زندگی می‌کردند و هم کارهای صومعه و اعمال مربوط به کلیسا را انجام می‌دادند و همزمان مردم را به دین فرا می‌خواندند.^۳

با نامه‌هایی که گِرِگوری برای اِثلبرت نوشت و با موعظه‌های آوگوستین در نهایت او به مسیح ایمان آورد. گِرِگوری، برای پادشاه اِثلبرت نوشت: «ای فرزند شهیر و نامی من! از رحمت و لطفی که خداوند به تو اعطا نموده استفاده کن. آنچه را که آوگوستین به تو می‌گوید با جان و دل و با اشتیاق گوش کن، و با جدیت به آن عمل نما و با دقت آن را به خاطر بسپار و همانند امپراتور روم، کنستانتین، سلوک کن و پیروانت را به مسیحیت فرا خوان.»^۴ او از پادشاه خواست برای کامل‌تر شدن ایمانش بت‌پرستی را از قلمرو خود برچیند و با دعوت مردم قلمرو حکومتش به دین مسیح، ایمان خود را کامل‌تر کند.^۵

یکی از وجوه قابل توجه مأموریت گِرِگوری، بومی‌سازی دین مسیح در بافت و

1. Brooks, Nicholas, *The Early History of the Church of Canterbury: Christ Church from 597 to 1066 (Early History of Britain)*, London, 1984, pp.4-5.

2. Thanet

3. Bede, pp.72-73, Smither, Edward L., p.87.

4. Smither, Edward L., p.88.

5. Bede, p.72.

موقعیت زندگی آنگلو ساکسون‌ها بود، به‌ویژه توجه او به مکان‌های عبادی، آداب پرستش و جشن‌های آنان بسیار جالب توجه است. وقتی اِثلبرت تصمیم گرفت، به توصیه گرگوری، همه زیارتگاه‌های کافران را ویران کند گرگوری نامه‌ای به یکی از راهبان موسوم به میلئوس نوشت و گفت در رابطه با عبادتگاه‌های کفار نظری متفاوت از قبل اتخاذ کرده است. توصیه جدید گرگوری این بود: بت‌ها را نابود سازید ولی به جای تخریب بتخانه‌ها، آن‌ها را به عبادتگاه مسیحیان بدل کنید. در نوشته‌های گرگوری مکرر دیده می‌شود که وی آنگلو ساکسون‌ها را با اسرائیلیان قدیم مقایسه می‌کند و پیشنهاد می‌دهد که پناهگاه‌های کوچکی مانند همان‌هایی که یهودیان در طول جشن‌ها می‌ساختند، بسازند تا در طول جشن‌های سالیانه مورد استفاده قرار گیرند و به تدریج جشن‌های کفار انگلی را به صورت مسیحی تغییر دهند. مارکوس این موضوع را نقطه عطفی در تاریخ مسیحیت می‌داند.^۱ فلورا اشپیگل بر این باور است که مقایسه ساکسون‌ها با اسرائیلیان، بخشی از استراتژی گام به گام گرگوری در تغییر دین آنان بود. بر اساس این نظر، گرگوری برای مسیحی شدن آنها چند مرحله در نظر داشته است: از شرک به یهودیت و از یهودیت به مسیحیت. در واقع او یهودیت را برزخ شرک و مسیحیت می‌دانست، برزخی که ساکسون‌ها برای رسیدن به مسیحیت لاجرم باید از آن می‌گذشتند.^۲

به گفته گرگوری، در همان اولین سال مأموریت، بیش از ده هزار آنگلو ساکسون به انجیل و مسیح ایمان آوردند و در کلیسا تعمید داده شدند.^۳ فعالیت آوگوستین موجب شد قواعد بندیکت در پادشاهی فرانک‌ها رواج یابد و توجه فراوان به فعالیت‌های تبلیغی این طریقه، مشخصه اصلی ساکسون‌های پیرو بندیکت گردد.^۴ کمی بعد از اولین اقدامات تبلیغی در بریتانیا، آوگوستین به مقام اسقفی منصوب شد. بعدها به‌عنوان اسقف سرمطران ترفیع گرفت و از آن پس بر کار دیگر اسقف‌ها و کشیشان، نظارت و سرپرستی می‌کرد. حدود

1. Markus, R. A. "Gregory the Great and a Papal Missionary Strategy", *Studies in Church History, Vol. 6: The Mission of the Church and the Propagation of the Faith*, Cambridge, Cambridge University, 1970, pp.34-37.

۲. Spiegel, Flora, "The tabernacula of Gregory the Great and the Conversion of Anglo-Saxon England", *Anglo-Saxon England*, vol. 36, 2007, pp.3-6.

۳. Smither, Edward L., p. 87.

۴. عدلی، محمدرضا، ص ۱۳۷.

سال ۶۰۱ م گِرِگوری راهبان بیشتری را برای همکاری و کمک به مأموریت و تبلیغات به سوی بریتانیا فرستاد.^۱

شیوه گِرِگوری کبیر در تبلیغ و وعظ

گرگوری در مجالس وعظ خود به طرق مختلف مردم را به مسیحیت دعوت می‌کرد. این شیوه‌ها در منش هیئت اعزامی وی نیز مؤثر بود. در اینجا به برخی از این شیوه‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. روش چهره به چهره: گِرِگوری با الهام از مسیح این اسلوب را پیشه کرد. او در نخستین سال‌های اسقفی در کلیسا، تعالیم انجیل را از نزدیک بر مومنان مسیحی عرضه می‌کرد. او در برگزاری مجالس وعظ چنان جدیت به خرج می‌داد که حتی سلامتی‌ش تحت تأثیر قرار گرفت. لذا با انتصاب به مقام پاپی این کار را کنار گذاشت، اما مجالس او برای جمع‌های کوچکتر تا مدت‌ها ادامه یافت. سخنرانی‌ها او که حاوی داستان‌های تمثیلی، شعر، قصص انبیاء و پادشاهان بود، به صورت کتابی گردآوری شد.^۲

۲. موعظه: بسیاری از مقالات یا سخنرانی‌های گِرِگوری مملو از پیام بیداری و مبارزه با غفلت است. او همگان را به دوری از گناه پند می‌دهد، و یادآور می‌شود که ملکوت آسمان‌ها نزدیک است و به زودی عدالت برپا می‌شود. در چهل موعظه در باب انجیل^۳ که در سالهای ۵۹۰ تا ۵۹۲ م صورت پذیرفت، او بر اهمیت موعظه به ویژه در مناسک یکشنبه و دیگر اعیاد مسیحی تأکید می‌کند. در این موعظه‌ها باورهای مسیحی گاه در قالب داستان یا حکایت بر مخاطب عرضه می‌شد. در بیست و دو موعظه در باب حزقیال^۴ که مربوط به هشت سال بعد از آن می‌شود، سخنان وی عمق بیشتری یافت. این مواعظ با باب‌های ۱ تا ۴ و همچنین باب چهلم کتاب حزقیال مرتبط هستند. موضوع این موعظه‌ها عبارتند بودند از مسیح، کلیسای مسیحی، زندگی مراقبه‌ای، رنج، آرمان‌هایی برای کشیشان و حیاتی بر مبنای

۱. Markus, pp.24-28; Smither, Edward L., p. 87.

۲. Meyvaert, Paul, "Gregory I", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, 1987, vol.6, p.119.

۳. *Homilies on the Gospel*

۴. *Homilies on Ezekiel*

ایمان، امید و ایثار. هدف گِرِگوری آن بود که به مردم بیاموزد که به شکلی مداوم، آماده ملاقات با دادرسی خود «خداوند» باشند.^۱

۳. استعاره و تشبیه: او هم چون مسیح در سخنانش از استعاره و تشبیه و تمثیل استفاده می‌کرد و داستان‌هایی ساده و معمولاً حاوی معجزات الهی را به منظور انگیزه‌بخشی برای مردم نقل می‌کرد.^۲

۴. ارسال پیام با نامه: چهارده کتاب از نامه‌های گِرِگوری منابع اطلاعاتی مهمی از دوران اسقفی او هستند. آن‌ها درباره ارتباط او با کلیسا، امپراتور، مهاجمان ژرمنی، اسقف‌ها، صومعه‌ها و جنبه‌های عرفانی و اجتماعی کلیسا هستند و منابعی بسیار غنی برای درک الهیات، آداب نیایش، تاریخ، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی آن دوران می‌باشند. این نامه‌ها تصویر رهبری لایق و شایسته را از گِرِگوری ترسیم می‌کند. البته باید توجه داشت که در آرشیو پاپی قواعدی برای نگارش نامه ایجاد شده بود که پاپها در نوشتن نامه باید به آن توجه می‌کردند.^۳ گِرِگوری با حکام قسطنطنیه، اسکندریه، آنتیوک و اورشلیم درباره شوراها و کلیسای مکتباتی داشته است؛ از حدود قرن چهارم، به واسطه این‌گونه مکاتبات، نوعی اتحاد کلیسایی میان حوزه اسقفان به وجود آمده بود و هر حاکمی، حوزه خود را اداره می‌کرد.^۴

۵. ارسال راهبان مبلغ: چنانکه پیشتر ذکر شد، گِرِگوری از ظرفیت‌های موجود در رهبانیت مسیحی برای تبلیغ و گسترش مسیحیت استفاده کرد. در ادامه به ویژگی‌های این گروه که متأثر از تعالیم و نگرش گِرِگوری بودند اشاره می‌کنیم.

ویژگی راهبان مبلغ

۱. اطاعت و فرمانبرداری یکی از مهمترین ارزشهای نظام رهبانی است. همانطور که پیشتر ذکر شد راهبان مطیع آوگوستین و همچون خود او مطیع گِرِگوری بودند. گِرِگوری

۱. Rush. A.C and Hester, K., p.482

۲. Ibid, p.483.

3. Rush. A.C and Hester, K., p.483.

4. Ibid, pp.480-481.

نامه‌ای خطاب به راهبان نوشته بود که «در همهٔ امور مطیع اوامر آوگوستین باشید.» این اطاعت از مقام ارشد سبب می‌شد که در طول مأموریتشان از هدف اصلی که همان تبلیغ و دعوت به مسیحیت بود دور نمانند و بتوانند با همدلی از موانع موجود گذر کنند.

۲. آوگوستین و یارانش، همچون سایر گروه‌های رهبانی در جلب حمایت پادشاه موفق بودند. اگرچه اِثلبرت در آغاز پیام مسیحیت را نپذیرفت، اما به راهبان این فرصت را داد که برای خود صومعه‌ای بسازند و آزادانه بتوانند موعظه کنند. وقتی ملکه برتا به طریقت راهبان علاقه نشان داد، راه برای تغییر نگرش همسر بی‌ایمانش گشوده شد. با مسیحی شدن اِثلبرت گرگوری توانست او را تشویق کند دین مسیحیت را در سرتاسر انگلیس رواج دهد و مانند کنستانتین بت‌پرستی را ریشه کن نماید.^۲

۳. تلفیق حیات رهبانی با وعظ تأثیر تبلیغ آنان را دو چندان می‌کرد. البته این شیوه بازتابی از الهیات شبانیِ گرگوری بود. گرگوری در رسالهٔ *قواعد شبانی*^۳ می‌نویسد: واعظ باید در انتقال کلام الهی به مومن و کافر به یک اندازه بکوشد. او باید در گفتار و کردار الگویی برای مردم باشد.^۴ بید این ویژگی آوگوستین و یارانش را اینگونه توصیف کرده است: «آن‌ها روش زندگی رسولان خدا و کلیسای اولیه را در پیش گرفتند و دائماً مشغول دعا و عبادت، احیاء و شب‌زنده‌داری و روزه گرفتن بودند؛ آن‌ها کلام خدا را برای افراد زیادی وعظ کردند؛ در موعظه‌هایشان امور دنیوی و مادی را حقیر و پست می‌شمردند و خودشان هم با مادیات و تجملات بیگانه بودند و تنها پیشکش‌های ضروری و لازم را از مردم می‌پذیرفتند. در همهٔ امور به آنچه می‌گفتند خود عمل می‌کردند. بسیاری از مردم با دیدن این زندگی ساده و بی‌پیرایه و مقدس که توأم با نگرش عرفانی بود حیرت‌زده می‌شدند؛ از این رو ایمان می‌آوردند و تعمید می‌شدند.»^۵

۴. ظهور کرامات و اعمال خارق العاده، به زعم بید، مَهر تأییدی بود بر صدق پیامشان.^۶

1. Smither, Edward L., p. 88.

2. Ibid.

3. *Pastoral Rule*

4. Smither, Edward L., p. 89.

5. Bede, p.47.

6. Bede, p.48.

این نیز در واقع یکی از تعالیم محوری گرگوری بود. گرگوری به آگوستین و یارانش تعلیم داده بود که تبلیغ و دعوت باید با معجزه و کرامت همراه گردد و این موضوع را تشبیه به مسیح در دعوت از مردم می‌دانست. به باور گرگوری، معجزه سبب می‌شد که کافران به قدرت خداوند پی ببرند و اینگونه حقیقت پیام مسیح به سادگی بر آنان آشکار شود. البته گرگوری در نامه‌هایش به آگوستین تأکید می‌کرد که ظهور معجزه و کرامت نباید موجب بیدار شدن خوی غرور در آنها شود. بلکه باید بدانند اینها موهبت الهی و عمل خدای قادر است.^۱

۵. یکی دیگر از ویژگی‌های مهم دعوت گرگوری این بود که وی کوشید مسیحیت را با بافت فرهنگی و آداب و رسوم انگلیسی‌ها سازگار کند. گرگوری معتقد بود معابد بت‌پرستی به هیچ وجه نباید ویران شود، فقط لازم است بت‌های داخل آنها را نابود گردند. او می‌گفت: اگر این مردم ببینند که معابد آنها نابود نشده است، راحت‌تر می‌توانند گناه و خطا و گمراهی را از قلوبشان دور کنند، هم‌چنین راحت‌تر می‌توانند در مکان‌هایی که برایشان آشناسنت به عبادت و پرستش خداوند راستین بپردازند. در واقع گرگوری به جای ویران کردن معابد بت‌پرستی و ساخت کلیسای جدید، آن معابد را به محلی برای پرستش خداوند یکتا تبدیل کرد. او معتقد بود که جشن‌های کافرکشی را می‌توان به فرصتی برای عبادت عیسی مسیح مبدل نمود. او در نامه‌ای به آگوستین چنین نوشت: «این مردم عادت دارند که احشام زیادی را برای شیاطین و بت‌ها ذبح کنند؛ باید کاری کنید تا جشن‌های کافرکشی به جشن‌های خداپرستانه تبدیل شود و کشتار حیوانات برای بت‌ها و شیاطین را متوقف کنید، اما اجازه دهید تا حیوانات برای خوراک مردم ذبح شوند تا بدین‌سان مردم شاکر آفریننده این حیوانات و روزی‌دهنده‌شان باشند و خداوند را برای بخشندگی و سخاوتش شکر گویند». گرگوری حساسیت زیادی به فرهنگ میزبان داشت و حتی آن را مورد تحسین و تمجید نیز قرار می‌داد؛ وی که شخصیتی واقع‌بین داشت به خوبی می‌دانست که تغییر دین مردم، کاری زمان‌بر است و مبلغان باید صبور و پرحوصله باشند. در نامه‌ای دیگر چنین نوشته است: «بدون شک، محال است که یک‌باره بتوان همه چیز را از ذهن‌های لجوج و سرکش این مردم پاک کرد. برای فتح یک قلعه رفیع، نمی‌توان گام‌های بلند

1. Smither, Edward L., p. 89.

برداشت، بلکه باید آرام‌آرام و با قدم‌های کوتاه و ثابت به آن دست یافت.^۱ باید توجه داشت که موفقیت مأموریت تبلیغی آوگوستین و یارانش مرهون اقتدار، منش و شخصیت رهبر آنها، یعنی گرگوری کبیر، بود. اگرچه گرگوری خود در این مأموریت همراه آنان نبود ولی با تشویق، ترغیب، راهنمایی و هدایت آنها در ابلاغ رسالتشان دخیل بود. در واقع در تمامی رویدادهای این مأموریت عظیم، نام گرگوری کبیر به چشم می‌خورد. شخصیت تأثیرگذار و قدرتمند او، هم به لحاظ سیاسی و هم رهبری دینی، در توفیق این مأموریت بسیار موثر بود. گرگوری دستور داده بود که اسقف‌های بومی انگلیسی باید تحت نظارت آوگوستین عمل کنند؛ بدین ترتیب کلیسای انگلستان تمام آداب و مناسک خود را مطابق با الگوی کلیسای روم انجام می‌داد.

نتیجه

چنانکه ملاحظه شد گرگوری کبیر، نخستین پاپی که پیشینه زندگی رهبانی داشت و با طریقت بندیکت قدیس مرتبط بود، توانست با اعزام راهبان به بریتانیا دین مسیحیت را در آن سرزمین رواج دهد. در واقع این نمونه‌ایست از نقش طریقه‌های عرفانی در گسترش ادیان که موارد مشابه آن در سنت‌های دینی دیگر نیز مشاهده می‌شود. هدف معنوی گرگوری از انجام این مأموریت تبلیغی از بین بردن کفر و بی‌دینی در کل امپراتوری روم و بهره‌مند شدن کافران از موهبت انجیل و عنایت مسیح بود. البته تحقق اهداف سیاسی نظیر اقتدار بخشیدن به کلیسای روم و افزایش قدرت در حوزه پاپ هم از دیگر آرمان‌های پاپ محسوب می‌شود. روش‌های تبلیغی او با الهام از مسیح به طرق مختلف، اعم از موعظه، خطابه، و روش چهره به چهره بود و از ابزارهای تبلیغی متناسب با شرایط فکری مردم که غالباً بی‌سواد و عامی بودند نظیر استعاره و تشبیه و تمثیل، نقل حکایات معجزه‌آمیز و ارسال نامه استفاده می‌نمود. آوگوستین و راهبان مبلغ، گرگوری را به‌عنوان الگو و رهبر خود قلمداد و روش زندگی ساده و زاهدانه‌ای همچون او در پیش می‌گرفتند، دائماً به دعا و عبادت اشتغال داشتند و در عین حال به موعظه هم می‌پرداختند. این سبک زندگی آنها باعث شد تا بسیاری به آنها ایمان بیاورند. یکی از علل موفقیت آنها پایندی به اصول

۱. Smither, Edward L., pp. 90-91; Bede, p. 67.

حیات رهبانی، اعم از اطاعت، زهد، صبر و شکیبایی بود. مدارا با مردم و احترام به فرهنگ آن‌ها، توانایی در سوق دادن زندگی ایشان به سوی مسیحیت و هم‌چنین جهت بخشیدن به برگزاری آیین‌های در راستای شعائر دین مسیحیت از دیگر عوامل موثر در کامیابی آوگوستین و یارانش بود. بنابراین اگرچه گرگوری شخصاً در بریتانیا نبود اما توانست راهبان را با رهبری و مدیریت خود در به نتیجه رسیدن این مأموریت، یاری نماید و دین مسیح را که برای بریتانیایی‌ها غریب و نامانوس بود در این کشور رواج دهد و از سویی دیگر همه کلیساهای آن دیار را به اطاعت و تبعیت از کلیسای روم موظف نمود و با اقتدار سیاسی و دینی کلیسای روم را «کلیسای جهانی» کرد و به آن مرجعیت بخشید.

منابع

- باغبانی، جواد، رسول زاده، عباس، شناخت کلیسای کاتولیک، تهران، سمت، ۱۳۹۳ ش.
- حیدری ابهری، داوود، «نقش پولس در شکل‌گیری آیین مسیحیت»، فصلنامه اندیشه دینی، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۵ ش.
- دورانت، ویلیام جیمز، تاریخ تمدن: عصر ایمان، احمد آرام، تهران، اقبال ج ۴، ۱۳۷۸ ش.
- رسول زاده، عباس، باغبانی، جواد، شناخت مسیحیت، تهران، امام خمینی، ۱۳۸۹ ش.
- سلیمانی اردستانی، عبد الرحیم، مسیحیت، قم، ادیان و مذهب، ۱۳۸۱ ش.
- صانعی، مرتضی، «تبشیر مسیحی خروج از سنت و سیره حضرت عیسی»، معرفت ادیان، شماره ۲۱، ۱۳۹۰ ش.
- عدلی، محمدرضا، «قاعده نامه بندیکت قدیس: دستورات عرفانی طریقه راهبان بندیکتی»، عرفان ایران، حقیقت، ۱۳۸۹ ش.
- فاریاب، محمد حسین، «رهبانیت در آیین مسیحیت»، مجله معرفت، شماره ۱۳۳، ۱۳۸۷ ش.
- کتاب مقدس: عهد عتیق و عهد جدید، ترجمه فاضل خان همدانی، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۸ ش.
- کرنز، ارل، سرگذشت مسیحیت در طول تاریخ، ترجمه آرمان رشدی، انگلیس، ایلام، ج دوم، ۲۰۰۸ م.
- وان وورست، رابرت، مسیحیت در لابه لای متون، ترجمه باغبانی، جواد؛ رسول زاده، عباس، تهران، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۵ ش.
- ویور، مری جو، درآمدی بر مسیحیت، ترجمه حسن قنبری، قم، ادیان و مذاهب، ۱۳۸۱ ش.
- Bede, *Ecclesiastical History of the English People*, A. M. Sellar (translator), London, George Brill and Sons, 1907.
- Benedict, *The Rule of St. Benedict*, U.S.A., Doubleday, Introduction, 1975.
- Brooks, Nicholas, *The Early History of the Church of Canterbury: Christ Church from 597 to 1066 (Early History of Britain)*, London, 1984.
- Harting, Mayr, *The Coming of Christianity to Anglo-Saxon England*,

- University Park, PA: Pennsylvania State University Press and, 1991.
- Higham, N. J., *The Convert Kings: Power and Religious Affiliation in Early Anglo-Saxon England*, Manchester, UK, Manchester University Press, 1997.
 - Homes Dudden, F., *Gregory The Great: His Place in History and Thought*, London, LONGMANS GREEN AND CO., 1905.
 - Markus, R. A. "Gregory the Great and a Papal Missionary Strategy", *Studies in Church History, Vol. 6: The Mission of the Church and the Propagation of the Faith*, Cambridge, Cambridge University, 1970.
 - Meyvaert, Paul, "Gregory I", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, 1987, vol.6.
 - Rush. A.C and Hester, k, "Gregory The Great I, St. Pope", *New Catholic Encyclopedia*, Bernard, L. Marthaler (ed.), United Stated of America, Thomason Gale, 2003.
 - Smither, Edward L, *Missionary Monks: An Introduction to History and Theology of Missionary*, U.S.A, 2016.
 - Spiegel, Flora, "The tabernacula of Gregory the Great and the Conversion of Anglo-Saxon England", *Anglo-Saxon England*, vol. 36, 2007.
 - Wood, Ian, "The Mission of Augustine of Canterbury to the English", *Speculum*, Volume 69, Number 1, 1994.
 - Yorke, Barbara, *Kings and Kingdoms of Early Anglo-Saxon England*, London, Routledge, 1990.